

## بررسی تحلیلی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه

سمیرا متقی\*

دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نسرین منصوری

استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

علیرضا آبرود

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

<https://doi.org/10.22067/erd.2025.91842.1276>

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

ایجاد شرایط لازم در جهت ارتقای رشد اقتصادی مستمر و باثبات، یکی از اهداف کلان اقتصادی کشورها است. آزادی اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به شمار می‌آید که از طریق آزادی تجاری، حذف موانع غیرضروری دولتی، حق مالکیت می‌تواند موجب انگیزه برای سرمایه‌گذاری، ارتقای سطح مهارت‌ها و انتقال فناوری شده و زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های مولد گردد؛ لذا هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب توسعه‌یافته (OECD) و کشورهای درحال توسعه (منتخب منا) در دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۲۲ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته است. نتایج تحقیق حاکی از این است میان تورم با رشد اقتصادی در دو گروه کشور مورد مطالعه رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ درحالی که رابطه بین آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری، رشد دوره قبل و هزینه‌های دولتی بر روی رشد اقتصادی در دو گروه کشور مورد بررسی، مستقیم و معنادار بوده است. از آنجایی که آزادی اقتصادی بیشترین تأثیر را بر رشد دارد می‌توان اذعان داشت که بهبود آزادی اقتصادی موجب انگیزه برای انواع سرمایه‌گذاری‌ها، انباشت مهارت‌ها و همچنین انتقال فناوری و استفاده کارآمد از سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش قدرت و رقابت‌پذیری و در نتیجه موجب تحقق رشد اقتصادی باثبات خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** آزادی اقتصادی، باز بودن تجاری، رشد اقتصادی.

\* نویسنده مسئول: [s.motaghi@atu.ac.ir](mailto:s.motaghi@atu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

صفحات: ۱۶۹-۱۴۰

## مقدمه

رشد اقتصادی، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد کلان هر کشور، علی‌رغم پیش‌بینی‌های ناامیدکننده صورت گرفته اقتصاددانان نئوکلاسیک (که حتی در کشورهای توسعه یافته)، با روند منفی مواجه می‌شود (Solow, 1956)، روند مثبتی را در دهه های ۸۰ و ۹۰، به خود گرفته و با احیای مجددی مواجه شد (Romer, 1986)؛ در این میان، می توان شاخص های سرمایه انسانی (Lucas, 1988)، نهادها و زیرساختار های عمومی (Barro, 1990)، نوآوری (Romer, 1990)، بازده به مقیاس در تولید (Rebelo, 1991) و تغییرات تکنولوژیک (Barro & Sala-i-Martin, 1997) را در دهه ۹۰، از مهمترین فاکتورهای اثر گذار بر رشد اقتصادی معرفی کرد؛ اما بررسی تجربی وضعیت کشورهای موفق در امر توسعه اقتصادی در دهه های اخیر، نشان می دهد که علاوه بر موارد فوق، تجارت خارجی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در فرآیند توسعه کشورها ایفا کرده و به طور قطع می توان گفت که هیچ کشور توسعه یافته و تازه صنعتی شده ای را نمی توان یافت که بدون توسعه تجارت و تکیه بر صادرات خود به این امر نائل شده باشد (De Haan & Sturm, 2000). با اتخاذ سیاست توسعه تجارت و تشویق صادرات، تخصیص منابع عمدتاً بر اساس مزیت های نسبی صورت می گیرد و این خود به بهره برداری بهینه از امکانات و منابع تولید منتهی می شود. با تقسیم کار، هزینه تولید کاهش می یابد و سود ناشی از آن تمامی طرف های تجاری را منتفع می سازد؛ در حالی که با بستن مرزها و اجتناب از ورود فعال به بازارهای جهانی، تخصیص منابع به ندرت بهینه خواهد بود و ضایعات منابع و تولید نیز بالطبع بالا خواهد رفت (Zoghipour & Zibaie, 2010). از اهداف عمده آزادسازی تجاری، تسریع رشد اقتصادی و برخورداری از منافع ایستا و پویای ناشی از تجارت از طریق تخصیص بهینه این منابع، تشدید رقابت، ارتقای جریان دانش، سرمایه گذاری و نهایتاً رشد سریع نرخ انباشت سرمایه و پیشرفت فنی هستند. به هر حال تجربه کشورهای موفق در امر توسعه اقتصادی نشان می دهد که تجارت خارجی و آزادسازی نقش بسیار مهمی در فرآیند رشد و توسعه این کشورها ایفا کرده است (Sharifi ranani et al., 2013).

این نتایج در مطالعات جدیدتر بهتر خودنمایی می کند به صورتی که شاخص های آزادی کسب و کار، آزادی مالی، آزادی از قید دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی تأمین مالی، حقوق مالکیت، آزادی نیروی کار را در کنار آزادی تجارت، از فاکتورهای اثرگذار بر رشد معرفی کرده و رشد را تحت تأثیر شاخص ترکیبی شاخص های مذکور که تحت عنوان آزادی اقتصادی از آن یاد می شود، قلمداد می کند (Kane et al., 2007).

این نتایج (اثرگذاری آزادی اقتصادی و تجاری بر رشد اقتصادی)، در اغلب مطالعات صورت گرفته به چشم می‌خورد (دخیلی و بن دیاب (۲۰۱۸)، آلواردو و همکاران (۲۰۱۷)، ساها و همکاران (۲۰۱۷)، زیدی و آیدیا (۲۰۱۴)، هافر (۲۰۱۳) و ناث (۲۰۰۹))، اما نکته حائز اهمیت در این مطالعات این است که تحقیقات مذکور، اغلب برای کشورهای توسعه‌یافته انجام شده‌اند و کشورهای درحال توسعه، در این مطالعات جایگاهی ندارد؛ همچنین قریب به اتفاق مطالعات صورت گرفته در این حوزه، شاخص آزادسازی تجاری را به‌عنوان شاخص پایه آزادی اقتصادی در نظر گرفته‌اند، و نمونه‌هایی را در نظر گرفته‌اند که به لحاظ شاخص‌های آزادی تجاری و اقتصادی بانک جهانی و مؤسسه فریزر در وضعیت قابل قبول و روبه‌رشدی قرار دارند، درحالی که کشورهای درحال توسعه بر اساس شاخص آزادی اقتصادی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد و شاخص بازبودن تجاری آن (بدون اتکا به نفت)، قابل قبول نمی‌باشد (World Bank, 2019)؛ براین اساس و بر پایه تفاسیر مطرح شده از یک سو، نسبی بودن اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی نسبت به منطقه مورد مطالعه، مطرح می‌شود و از سوی دیگر، تأثیر آزادی سازی تجاری در کنار آزادسازی اقتصادی (و به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی آن)، نمایان می‌شود.

همین مسئله، پژوهشگران تحقیق حاضر را به بحث و بررسی پیرامون این نکته فرامی‌خواند که آیا آزادی اقتصادی بر وضعیت اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه به‌صورت عام و رشد اقتصادی به‌صورت خاص، تأثیری دارد؟ و به عبارتی آیا تأثیر آزادسازی اقتصادی در مناطق مختلف (مشخصاً کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه در تحقیق حاضر)، متفاوت است یا اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی، یک پدیده بین‌المللی است و نوع اثرگذاری آزادی در نمونه‌های مختلف، یکسان می‌باشد؟

### مبانی نظری تحقیق

در لغت، اصطلاح آزادی به‌عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب یا عمل تعریف می‌شود. آزادی اقتصادی در تعریف هارش برگر (۲۰۰۲) عبارتست از این که فرد در موقعیتی برای انتخاب روشی است که با آن خودش را در کلیت جامعه ادغام کند. همچنین آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی که از طریق قانونی بدست آورده اند می‌باشد (Akerlof & Shiller, 2010, p.19).

آدام اسمیت (۲۰۰۵) پیشرفت و یا عدم پیشرفت کشورها را بدلیل حدود آزادی ذکر می کند که در قوانین طبیعی متبلور می گردد. از این جهت دخالت‌های دولت در امور اقتصادی تنها سبب دور شدن از وضعیت طبیعی و کارایی می گردد (Corsetti et al., 2010, p.42).

مفهوم آزادی در مکتب کلاسیک توسط میل (۱۹۶۳) روشن تر بیان شده است: «آزادی فردی برای پیگیری منافع خود تا جایی که دیگران را از چنین حقی محروم نسازد، معنی دارد». این مفهوم بسیار نزدیک به همان اقتصاد لسانی است. در همین راستا است که عدم دخالت دولت در امور اقتصاد مطرح می گردد. از دیدگاه میل، فرد تا جایی آزاد است که به آزادی دیگری زیان نرساند (Zingales, 2012, p.37). باستیا (۱۸۵۰) بیشترین اثر آزادی را در حوزه اقتصاد می داند و نیز اثرگذاری عمده در این قسمت را مربوط به تجارت بین الملل ذکر می کند. از دید وی فرض اصلی در اقتصاد وجود آزادی است. دفاع وی از آزادی به اندازه‌ای است که فقدان آزادی را معادل با فقدان رفاه و عدالت دانسته و هدف از قانون را اجرای عدالت می داند. باستیا آزادی در حوزه اقتصاد را به مثابه نظام مندی در انضباط مالی می داند (Manzetti, 2009, p.11).

عقاید هایک (۲۰۰۰) و فریدمن (۱۹۷۹) در خصوص آزادی اقتصادی مرتبط با انضباط مالی، بسیار نزدیک به هم می باشد. هایک آزادی را رهایی از اجبار می داند. بر همین اساس آزادی سبب توزیع مجدد ثروت و درآمد می گردد. آزادی واقعی عدالت را برقرار می سازد و مسیر حرکت آزادی به سمت عدالت خواهد بود. اما در نبود عدالت، آزادی در هاله ای از ابهام است. محور اصلی هر گونه تلاش برای ایجاد یک جهان آزاد و توسعه یافته ارتقای آزادی فردی است. مالکیت خصوصی بزرگترین تضمین آزادی است و رقابت کامل منتج از نظام آزاد قیمتها است (Potrafke, 2013, p.435).

#### شاخص‌های سنجش آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه یافتگی اقتصاد کشورهاست. همه‌ساله ارزیابی‌های مختلفی به منظور اندازه‌گیری آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف جهان صورت می‌گیرد. در این میان دو شاخص آزادی اقتصادی جهان (EFW) و شاخص آزادی اقتصادی (IEF) مهم‌ترین معیارهای سنجش این مقوله هستند. شاخص اول که در مؤسسه فریزر ایجاد شده، تا سال ۲۰۰۰ بسیار رایج بود و بیشترین کاربرد را در مطالعات و پژوهش‌ها داشت. در مقابل شاخص آزادی اقتصادی که از سوی بنیاد هریتیج و مجله وال استریت معرفی شد، به دلیل جامعیت در ارزیابی پژوهش‌های آماری مناسب‌تر است. اما از آنجا که این شاخص در سال ۱۹۹۵ ایجاد شده و اطلاعات آن برای سال‌های پیش از این تاریخ در دسترس نیست، در انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای-تاریخی کاربرد کمتری دارد. معیارهای اصلی هر دو شاخص

عبارتند از: آزادی در مبادلات تجاری، اندازه و نقش دولت در اقتصاد، سیاست‌های پولی و مالی کشورها و قوانین مربوط به حقوق مالکیت. همچنین امید به زندگی، سطح سواد، مرگ و میر نوزادان، دسترسی به منابع آب و فساد در جامعه، دیگر معیارهایی هستند که برای ارائه رده‌بندی در نظر گرفته می‌شوند. براساس بررسی‌های انجام‌شده، آزادی اقتصادی بیشتر، با شادی و نشاط مردم یک کشور به شدت همبستگی دارد. این مورد را هر دو شاخص موسسه هریتیج و فریزر تایید می‌کنند. اما این دو معیار تفاوت‌هایی هم با یکدیگر دارند. برای مثال، شاخص موسسه فریزر نشان می‌دهد کشورهایی که آزادی اقتصادی بالاتری دارند، به طرز معناداری کمتر در جنگ شرکت داشته‌اند. دموکراسی در یک کشور تاثیر چندانی بر این شاخص نشان نمی‌دهد. در صورتی که شاخص بنیاد هریتیج چنین چیزی را مدنظر قرار می‌دهد. البته تاثیر جنگ را لحاظ می‌کند. جالب است که با نگاهی به سه کشور صدرنشین رده‌بندی بنیاد هریتیج متوجه می‌شویم درگیر بودن در جنگ‌های جهانی به شدت در آزادی اقتصادی تاثیر داشته است. به عبارت دیگر هنگ‌کنگ، سنگاپور و استرالیا در طول دهه‌های اخیر تقریباً هیچ جنگی را تجربه نکرده‌اند. همان‌طور که اشاره شد، بنیاد هریتیج ابعاد بیشتری از فعالیت‌های بخش خصوصی را در سنجش آزادی اقتصادی در نظر می‌گیرد که همین امر سبب شده تا با استفاده از این شاخص، آزادی اقتصادی در پژوهش‌ها حدود ۲/۶ درصد افزایش یابد. به همین دلیل اعضای بانک جهانی هم برای محاسبه تغییرات سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف از شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج استفاده می‌کنند (Nyström, 2008, p.271).

مؤسسه فریزر درجه آزادی اقتصادی کشورها را بر اساس پنج شاخص: (۱) حجم و اندازه دولت (مصرف دولت به عنوان درصد GDP، حجم یارانه‌ها، سرمایه‌گذاری دولت، نرخهای مالیات بر درآمد و حقوق)؛ (۲) ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت (استقلال دستگاه قضایی، حمایت از مالکیت معنوی، یکپارچگی دستگاه قضایی)؛ (۳) دسترسی به نقدینگی سالم (رشد نقدینگی، آزادی مالکیت ارزهای خارجی، نرخ تورم فعلی، تغییر تورم در پنج سال اخیر)؛ (۴) آزادی تجارت خارجی (مالیات و تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری قانونی، تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، کنترل بازار سرمایه، حجم بخش تجارت) و (۵) قوانین مالی، بازار کار و تجارت (میزان مشارکت بانکهای خصوصی و خارجی، محدودیت نرخ سود بانکی، سهم سپرده‌ها در بانکهای خصوصی، محدودیت در قوانین دستمزد و اخراج نیرو، سهم اشتغالزایی دولت) تعیین می‌کند. آزادی اقتصادی تأثیرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورها از کانالهای زیر

دارد (O'Reilly & Powell, 2015, p.35):

- ۱- وجود امنیت حقوق مالکیت و همچنین پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام کنند که کارا تر است؛ از این رو، افزایش کارایی، خود به رشد اقتصادی بیشتر منجر خواهد شد.
- ۲- آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد؛ از این رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی به افزایش رشد اقتصادی منجر خواهد شد.
- ۳- آزادی ورود و رقابت در بازارها به افزایش کارایی و سود بیشتر منجر می‌شود و منابع به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد.
- ۴- هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد، تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود فناوری و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌شود؛ لذا فرصت‌هایی که مورد چشم‌پوشی قرار می‌گرفتند به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند.

#### کانال‌های اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی

کاهش حجم دولت: یکی از اثرات آزادی اقتصادی، کوچک‌شدن حجم دولت است. از آن جایی که تولیدات دولتی در بسیاری از موارد غیرکارا عمل می‌کند با ورود بخش خصوصی و کاهش هزینه‌ها و همچنین ارتقای کیفیت کالا و خدمات بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، حجم دولت در قسمت‌های غیرضروری کاهش می‌یابد. کوچک‌شدن دولت هزینه‌های توزیعی و تخصیصی عظیمی که دولت متحمل می‌شود را کاهش می‌دهد و کاهش هزینه‌های دولت سبب کاهش کسری بودجه و کاهش تورم می‌گردد (Pennington, 2011, p.23). از طرفی تولید دولتی به معنی کاهش قدرت دولت برای انجام وظایف اصلی است. اشتغال دولت در فعالیت‌های تولیدی که ضرورت ندارد دخالت کند، به معنی صرف بخش عظیمی از منابع مادی و مدیریتی دولت در امور غیرضروری است. قدرت نظارت دولت گسترده، بسیار کمتر از قدرت نظارت یک دولت حداقلی است (Feldman, 2011, p.506). آزادی اقتصادی و کاهش قدرت دخالت دولت در اقتصاد از مسیری دیگر نیز سبب بالارفتن ثبات اقتصادی می‌گردد، زیرا وجود دولت به‌عنوان یک رقیب برای بخش خصوصی این ریسک را ایجاد می‌کند که ناتوانی دولت در رقابت با بخش خصوصی سبب گردد دولت دست به تضعیف یا حذف بخش خصوصی بزند و اموال آن را مصادره کند. بی‌ثباتی اقتصادی با بالابردن ریسک سرمایه‌گذاری، عرضه سرمایه را کاهش داده و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را محدود می‌کند و سبب فرار سرمایه از کشور می‌شود. برعکس ثبات اقتصادی با بالابردن امنیت، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری، وجوه لازم را برای رشد اقتصادی فراهم می‌آورد (Ilzetzki et al., 2014).

ترغیب برای پیگیری منافع شخصی: از آن جا که افراد به دنبال منافع شخصی خود هستند (مثلاً یک تولیدکننده در پی حداکثر کردن سود است) و نظام بازار آزاد، افراد را آزاد می‌گذارد تا آزادانه بهترین مسیر را برای رسیدن به منافع شخصی‌شان برگزینند که بر اساس اصل حقوق مالکیت از حقوق آن‌ها دفاع می‌شود. از این رو، افراد انگیزه‌های کافی جهت تعقیب اهداف خود در سیستم بازار خواهند داشت. ویژگی بارز قیمت‌ها این است که انگیزه‌های افراد همسو با نیازهای سیستم شکل می‌گیرد (Heston et al., 2012, p.19)؛ بنابراین انتظار می‌رود این سیستم، بتواند کالاهایی را با بهترین کیفیت، ارزان‌ترین قیمت و در کمترین زمان تولید کند و به دست مصرف‌کننده خود برساند، بدون آن که نیازمند یک سازماندهی قوی یا صرف هزینه‌های بالا باشد و یا این که کسی را بر خلاف میلش وادار به کاری نماید. البته باید نکته‌ای را خاطرنشان ساخت و آن این که تمامی ویژگی‌های فوق برای یک بازار رقابتی صادق است. مسلماً همیشه نظام بازار به صورت ایدئال عمل نکرده و گاهی دارای نقایصی است، برای مثال از انحصارات خصوصی می‌توان نام برد که از ویژگی‌های فوق برخوردار نیست، اما باتوجه به تعاریف آزادی اقتصادی، دولت موظف است به گونه‌ای عمل نماید که چنین شرایطی (شرایط رقابتی که از دو ویژگی فوق برخوردار باشد) ایجاد گردد (Klein, 2007, p.41).

انتقال کارای اطلاعات: یکی از ویژگی‌های مهم در نظام بازار آزاد، استفاده از سیستم قیمت‌ها است و یکی از ویژگی‌های مهم این سیستم، انتقال سریع، به‌موقع و کارای اطلاعات است. سیستم قیمت‌ها در انتقال اطلاعات دارای چند ویژگی مهم است. نخست آن که اطلاعات مفید را انتقال می‌دهد، آن هم فقط به آن گروه که به دانستن اطلاعات مزبور احتیاج دارند و دیگر آن که انتقال به‌موقع اطلاعات است. سیستم قیمت‌ها به گونه‌ای عمل می‌کند که اطلاعات به دست کسانی که می‌توانند از آن استفاده کنند، برسد؛ بدون آن که در دست کسانی که به آن احتیاج ندارند، محصور شود (Kurrild-Klitgaard & Justesen, 2014, p.452).

ایجاد شفافیت و کاهش فساد مالی: سازمان شفافیت بین‌المللی، فساد مالی را سوءاستفاده کارکنان از منابع دولتی برای مقاصد و یا منافع شخصی تعریف می‌کند. باتوجه به این تعریف و بررسی تعاریف مختلفی که از فساد مالی شده است یک نتیجه کلی استنتاج می‌شود و آن این که یک طرف فساد مالی حتماً بخش دولتی است و فساد زمانی شکل می‌گیرد که به‌صورت غیرقانونی از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی سوءاستفاده شود، حال باوجود آزادی اقتصادی از یک طرف حجم دولت کاهش یافته و از سوی

دیگر بسیاری از قوانین پیچیده که منفذ فساد مالی ایجاد می‌کنند از بین می‌رود و از این مسیر، آزادی اقتصادی سبب کاهش فساد مالی می‌گردد (Hausmann et al., 2008, p.379).

افزایش بهره‌وری: آزادی اقتصادی، شبکه اطلاع‌رسانی گسترده و کارآیی تعاملات فردی را به وجود می‌آورد که در نهایت به تخصیص بهینه منابع اقتصادی و مطلوبیت‌های فردی می‌انجامد؛ مانند آن چه در نظام اقتصادی جوامع پیشرفته رخ داده که رقابت موجب تخصیص بهینه منابع توسط سیستم قیمت‌ها گردیده است (دستیابی به قیمت‌های واقعی موجب تخصیص بهینه منابع می‌شود) (Grant, 2014). در واحدهای تولیدی دولتی از آن جایی که سود یا زیان واحد به حساب شخصی مدیران و مسئولان آن واریز نمی‌شود، حتی با فرض عدم تعهد مسئولین این واحدها به دلیل نبود سود مستقیم برای کارگزاران دولتی، تلاش فکری و عملی زیادی برای ارتقای سیستم و کاهش هزینه‌های تولید از سوی عوامل دولتی، صورت نخواهد گرفت. درحالی‌که هزینه‌های تولید در بخش خصوصی به دلیلی مثل کمتر بودن نسبی میزان تولید و تعداد صنایع تحت مدیریت یک مدیر خصوصی نسبت به بخش دولتی، حداکثر تلاش برای کاهش هزینه‌ها و خودداری کامل از اسراف و تبذیر، بسیار کمتر از هزینه تولید بخش دولتی خواهد بود و لذا کارایی فنی بخش خصوصی بالاتر از بخش دولتی است. در نهایت افزایش بهره‌وری ناشی از آزادی اقتصادی، منفعت کل اجتماعی را افزایش می‌دهد و سبب بالارفتن سطح زندگی مردم می‌شود (Holcombe & Ryvkin, 2010, p.40).

ترویج رقابت و رقابت‌پذیری: آزادی اقتصادی با ایجاد رقابت در بازار چندین پیامد مهم بر جای می‌گذارد. اول: ارتقای شایستگی بدین معنی که در شرایط رقابتی آن چه تعیین‌کننده است شایستگی افراد و کیفیت کالاها است نه ارتباط و نزدیکی به دولت و قدرت انحصاری (Baker et al., 2012, p.41). دوم: یک پیامد مهم دیگر رقابت، ورشکستگی بنگاه‌های با کارآیی پایین است. ورشکستگی را می‌توان شاهکار نظام بازار دانست. به عبارت دیگر ناکارآیی در بازار با قدرت تمام سرکوب می‌شود. در رقابت، کالاهایی با کیفیت پایین‌تر و هزینه بالاتر محکوم به تولیدنشدن هستند. از سوی دیگر رقابت‌پذیری از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) به معنی توانایی یک ملت در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به طور هم‌زمان حفظ یا ارتقای سطح کیفیت نهادی سرانه شهروندان در درازمدت است (Baier et al., 2012, p.203). تخصیص بهینه منابع و افزایش بهره‌وری، قدرت رقابت‌پذیری کشورها را افزایش می‌دهد و به اعتقاد اقتصاددانان افزایش سطح رقابت‌پذیری از طریق افزایش بهره‌وری، بهتر و مؤثرتر از رقابت‌پذیری ناشی از منابع اولیه ارزان است. در واقع شرکت‌ها و کشورهایی که از طریق



پایین بودن هزینه مواد اولیه رقابت‌پذیر شده‌اند، در مقابل روش‌های تولید کم‌هزینه‌تر (کارایی بالاتر) و یا فن آوری پیشرفته‌تر، دچار مشکل می‌شوند (Baier et al., 2012, p.203).

کاهش بخش غیررسمی: با آزادسازی اقتصادی و کاهش قوانین و مقررات دست‌وپاگیر برای ورود بنگاه‌ها به اقتصاد رسمی، حجم بخش غیررسمی کاهش می‌یابد، هم‌چنین کوچک‌شدن حجم دولت سبب کاهش فساد مالی شده از این طریق سبب کاهش حجم غیررسمی اقتصاد می‌گردد (Dwyer et al., 2013, p.19).

به‌عبارت‌دیگر، وجود هزینه‌های بالای رسمی شدن، ناشی از بروکراسی دولتی، سبب جذب بنگاه‌ها به سمت بخش غیررسمی می‌شود؛ از این‌رو بنگاه‌ها تا جایی وارد بخش غیررسمی می‌شوند که هزینه‌های غیررسمی کمتر از هزینه‌های رسمی شدن باشد (Campbell & Snyder, 2012, p.61).

بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه: نوآوری در تولید کالاهای جدید به‌قصد انتفاع شخصی، کاری است که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. هم‌چنین بخش خصوصی در رقابت در بازار تلاش خواهد کرد تولید خود را با کمترین هزینه ممکن انجام دهد که این اعمال تحت عنوان کارآفرینی به‌صورت اتوماتیک سبب رشد مدام تولیدات و افزایش کارایی اقتصادی می‌گردد (Slovik, 2012, p.17).

بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه به دو دلیل از عهده بخش دولتی خارج است: اول این که کارگزاران دولتی به دلیل عدم انتفاع مستقیم، تلاشی برای نوآوری و افزایش بهره‌وری نخواهند کرد و دوم وجود بروکراسی دولتی اجازه این کار را نمی‌دهد؛ زیرا حتی اگر دولت تمایل به چنین امری داشته باشد به دلیل حجم زیاد فعالیت‌های اقتصادی که در زیر مجموعه کارآفرینی وارد می‌شوند، دولت مجبور خواهد بود بخش عظیمی از افراد جامعه را برای پیوستن به پیکره دولت دعوت کند و نتیجه آن گسترش و افزایش حجم دولت است (Rode & Coll, 2012, p.98).

### پیشینه تحقیق

در این بخش به مطالعات خارجی و داخلی در زمینه حکمرانی و اثرات آن پرداخته شده است.

#### مطالعات خارجی

زمانی و همکاران (۲۰۲۲)، در مطالعه خود به ارزیابی چگونگی و میزان تأثیرگذاری شاخص‌های آزادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب از کانال فعالیت‌های کارآفرینانه پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر متقابل کارآفرینی و شاخص‌های آزادی اقتصادی کل، حاکمیت قانون، کارایی قوانین و مقررات و بازارهای باز بر رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار بوده است. این نتایج گویای آن است که درجه بالاتر آزادی اقتصادی از طریق افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه می‌تواند به

رشد اقتصادی بالاتر بینجامد. همچنین، تأثیر متقابل کارآفرینی و اندازه دولت در کشورهای توسعه یافته مثبت و در کشورهای درحال توسعه معنادار نشده است که بیانگر تأثیر متفاوت هزینه های مختلف دولت بر رشد اقتصادی است. علاوه براین، نتایج کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته مثبت و معنادار و در کشورهای درحال توسعه منفی و معنادار بوده است. نتایج نشان داد که تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته مثبت و معنادار و در کشورهای درحال توسعه منفی و معنادار بوده است.

انصاری سامانی و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه خود، تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو منطقه اقتصادی مهم جهان یعنی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا را با استفاده از روش رگرسیون داده های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. داده های مورد استفاده، به صورت داده های تابلویی نامتوازن بوده و برای نتیجه گیری بهتر، از چندین متغیر مستقل و برای تخمین مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. نتایج تحقیق حاضر، نشان می دهد آزادی اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا در دوره زمانی مورد مطالعه بوده، اما میزان این تأثیرگذاری در کشورهای منطقه خاورمیانه، بیشتر از کشورهای منطقه اتحادیه اروپا است که نشانگر نقش مهم آزادی اقتصادی در ایجاد فضا و بستری مناسب برای ارتقاء رشد اقتصادی و ضرورت توجه به آن، در سیاست گذاری اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به رشد اقتصادی مطلوب و پایدار است.

امیری و همکاران (۲۰۱۹)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی در ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۰ پرداختند. نتایج تجربی به دست آمده نشان می دهد که سطح آزادی اقتصادی، تورم و شاخص اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معنادار داشته است، اما نرخ اشتغال اثر منفی بر آزادی اقتصادی دارد و دلیل این رابطه معکوس نیز وجود مشاغل کاذب و خدماتی است که طی چند سال گذشته در اقتصاد ایران رشد کرده اند.

دخیلی و بن دیاب (۲۰۱۸) در مطالعه خود به تبیین نقش آزادی اقتصادی در جذب سرمایه گذاری خارجی و در نتیجه بالابردن سطح رشد اقتصادی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و عمان) در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷ و با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده (FMOLS) و حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداخته اند. یافته های تحقیق از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ادبیات حمایت می کند و نشان می دهد که

در واقع نشانه‌هایی وجود دارد که سطوح بیشتر آزادی اقتصادی از نرخ‌های بالاتر رشد اقتصادی در یک کشور پشتیبانی می‌کند.

آلواردو و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر رشد اقتصادی در ۱۹ کشور آمریکای لاتین می‌پردازند. با استفاده از اقتصادسنجی داده‌های تابلویی، شواهد تجربی نشان داد که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی از نظر آماری به صورت جمع‌آوری معنادار نیست. یافته‌ها حاکی از آن بود که در توسعه کشورهای منطقه در سطوح مختلف متفاوت است. به گونه‌ای که FDI در کشورهای با درآمد بالا اثر مثبت و معنی‌داری بر محصول دارد، در حالی که در کشورهای با درآمد متوسط بالا این اثر ناپایدار و غیر قابل توجه است. در نهایت این اثر در کشورهای با درآمد متوسط پایین منفی و از نظر آماری معنادار است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به استثنای کشورهای پردرآمد، مکانیسم مناسبی برای تسریع رشد اقتصادی در آمریکای لاتین نیست.

سها و همکاران (۲۰۱۷)، در مطالعه خود نقش توسعه اقتصادی در مهار فساد را با تمرکز بر آزادی‌های سیاسی و اقتصادی برای نمونه‌ای از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) طی دوره ۱۹۸۴-۲۰۱۳ تجزیه و تحلیل می‌کنند. علاوه بر این، این پژوهش بررسی می‌کند که آیا آزادی‌های سیاسی و اقتصادی فساد را در کشورهای غنی از منابع طبیعی با در نظر گرفتن اثرات خطی و غیرخطی کاهش می‌دهد یا خیر. نتایج نشان دهنده آن است که رابطه تعاملی بین آزادی‌های اقتصادی و سیاسی و اندازه دولت منجر به کاهش فساد می‌شود. علاوه بر این، نتایج ما نشان می‌دهد که نشان داد که افزایش درآمد باعث افزایش فساد در کشورهای غنی از منابع طبیعی می‌شود.

زیدی و آیدیا (۲۰۱۴)، در مطالعه خود به بررسی تعاملات علی بین توسعه مالی، باز بودن تجارت و رشد اقتصادی در پانلی متشکل از ۳ کشور شمال آفریقا (تونس، مراکش و مصر) در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۲ پرداختند. با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های پانل روش تعمیم‌یافته لحظه (GMM)، شواهد بیانگر ارتباط مثبت بین باز بودن تجارت و رشد اقتصادی بود. همچنین یافته‌ها نشان دهنده آن بود که به نظر می‌رسد باز بودن تجاری به عنوان مکمل توسعه مالی عمل می‌کند و علاوه بر این، تأثیر باز بودن تجارت در حضور متغیر توسعه مالی بارزتر بوده است.

ناث (۲۰۰۹)، در مقاله خود با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی اثرات ثابت، اثرات تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) را بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی در ۱۳ اقتصاد در حال

گذار اروپای مرکزی و شرقی و منطقه بالتیک از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار داده است. یافته ه نشان دادند که تأثیر مثبت قابل توجه تجارت بر رشد، حاکی از نتیجه قوی برای اقتصادهای در حال گذار این منطقه است. علاوه بر این نتایج نشان داند که سرمایه گذاری داخلی عامل مهمی برای رشد باشد و به طور کلی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی هیچ تأثیر قابل توجهی بر رشد در این اقتصادهای در حال گذار ندارد. با این حال، وقتی اثرات سرمایه گذاری داخلی و تجارت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی را کنترل شود، به نظر می رسد که تعیین کننده قابل توجهی برای رشد برای دوره پس از ۱۹۹۵ باشد.

آدی و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله خود تأثیر کیفیت نهادی و آزادی اقتصادی بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی در جنوب صحرای آفریقا (SSA) در سال ۲۰۰۵-۲۰۱۸ با استفاده از پانلی از ۲۷ کشور، را تحلیل می کند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که به صورت فردی، بهبود آزادی اقتصادی باعث رشد اقتصادی می شود در حالی که بهبود کیفیت نهادی در تحریک سرمایه گذاری مؤثر است. با این حال، اثر متقابل بهبود کیفیت نهادی و آزادی اقتصادی، تحریک سرمایه گذاری و رشد اقتصادی است. یافته ها نسبت به مشخصات مدل جایگزین قوی هستند.

هنری و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه خود به بررسی عوامل آزادی اقتصادی می پردازد که بیشترین تأثیر را در رشد بهره وری می پردازند. این مطالعه از یک تکنیک گروهی میانگین همبسته پویا برای داده های ۲۶ کشور آفریقایی در دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۷ برای بررسی این رابطه خاص استفاده می کند. اندازه دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین الملل و تنظیم اعتبار، نیروی کار و تجارت به عنوان معیاری برای آزادی اقتصادی استفاده می شود، در حالی که تولید به ازای هر کارگر نماینده رشد بهره وری است. نتایج نشان می دهد که در حالی که ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، تنظیم اعتبار، کار و تجارت بر رشد بهره وری تأثیر منفی می گذارد، اندازه محدود دولت، آزادی تجارت بین المللی و دسترسی به پول سالم تأثیر مثبتی بر آن در کشورهای آفریقایی دارد.

در مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته است اغلب یک گروه از کشورها را که عمدتاً کشورهای توسعه یافته می باشند مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند (دخیلی و بن دیاب (۲۰۱۸)، آلواردو و همکاران (۲۰۱۷)، ساها و همکاران (۲۰۱۷)، زیدی و آبیذا (۲۰۱۴) و ناث (۲۰۰۹)) و همچنین قریب به اتفاق مطالعات صورت گرفته در این حوزه، شاخص آزادسازی تجاری را به عنوان شاخص پایه آزادی اقتصادی در نظر گرفته اند، و نمونه هایی را در نظر گرفته اند که به لحاظ شاخص های آزادی تجاری و اقتصادی بانک جهانی و مؤسسه فریزر در وضعیت قابل قبول و روبه رشدی قرار دارند، در حالی که کشورهای در حال توسعه

بر اساس شاخص آزادی اقتصادی در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد و شاخص بازبودن تجاری آن (بدون اتکا به نفت)، قابل قبول نمی‌باشد (World Bank, 2019) و نیز مطالعات محدودی به بررسی مقایسه‌ای گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته که در این پژوهش این موضوع مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

### روش‌شناسی

رگرسیون مقاله حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و به‌کارگیری روش مدل‌سازی، به ارزیابی تأثیر آزادسازی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته (کشورهای OECD شامل: اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، سوئد، سوئیس، ژاپن، کره جنوبی، انگلیس، ترکیه، آمریکا، ایرلند و هلند) و درحال توسعه (کشورهای منتخب مناسبت: ایران، امارات متحده عربی، کویت، عراق، بحرین، لبنان، اردن، مصر، فلسطین، الجزایر، مراکش، عمان، عربستان سعودی، تونس و لیبی) که بر اساس موجود بودن آمارها و داده‌ها انتخاب شده‌اند در طی دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۲ پرداخته و نقش شاخص‌های مختلف را در بهبود رشد اقتصادی، مورد تحلیل قرار می‌دهد.

داده‌های مورد بررسی در این مطالعه، مربوط به کشورهای منتخب توسعه‌یافته (کشورهای OECD) و درحال توسعه (کشورهای منتخب مناسبت) می‌باشد و از شاخص‌های مربوط به بانک جهانی و بنیاد هریتیج در آن، استفاده شده است. در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت الگو، به دلیل وجود متغیر وابسته در سمت راست معادله و وجود اثرات غیرقابل مشاهده خاص هر کشور به منظور تخمین معادله از الگوی داده‌های ترکیبی پویا استفاده می‌کنیم. روش داده‌های تابلویی روشی برای تلفیق داده‌های مقطعی کشورها، بنگاه‌ها، خانوارها و غیره طی دوره زمانی چندساله است. مزیت این روش این است که ناهمگنی‌های مربوط به واحدها یا گروه‌ها را لحاظ می‌کند و برآوردهای نارایب و سازگارتری را ارائه می‌دهد در حالی که در روش‌های سنتی اقتصادسنجی مبتنی بر سری زمانی یا مقطعی این ناهمگنی‌ها نادیده در نظر گرفته می‌شود و احتمال تورش دار بودن نتایج وجود دارد. مزیت داده‌های تابلویی و الگوهای پویا در این نوع از داده‌ها این امکان را فراهم آوردند که پویایی روابط از این طریق بهتر درک شود (بالتاچی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). الگوی مورد نظر در این بخش الگوی پویای مبتنی بر روش گشتاورهای تعمیم یافته است.

<sup>1</sup> Baltage

مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر، مدل دیلی و ژیباب (۲۰۱۸) است که به شرح زیر مطرح می‌شود:

$$EG_{it} = \beta_0 + \beta_1 Freedom_{it} + \beta_2 Openness_{it} + \beta_3 FDI_{it} + \beta_4 GSAV_{it} \\ + \beta_5 INVES_{it} + \beta_6 DCPS_{it} + \beta_7 GovExp_{it} + \beta_8 Inf_{it} + \beta_9 HCl_{it} \\ + \beta_{10} EG_{it-1} + \varepsilon_t$$

به طوری که:

$EG_{it}$ : رشد اقتصادی کشور  $i$  در سال  $t$  و برابر با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در پایان دوره نسبت به سال  $t-1$  است.

$Freedom_{it}$ : آزادی اقتصادی در سال  $t$  است که مقادیر مستقیم آن از بنیاد هریتیج استخراج می‌شود.

$Openness_{it}$ : درجه باز بودن تجاری در سال  $t$  است که برای برآورد صحیح مدل و نتایج دقیق تر، از درآمد و صادرات غیر نفتی استفاده می‌شود.

$FDI_{it}$ : نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی در سال  $t$  است. متغیرهای کنترلی تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

$GSAV_{it}$ : نسبت پس انداز خالص به تولید ناخالص داخلی در سال  $t$  است.

$INVES_{it}$ : نسبت سرمایه گذاری مستقیم داخلی به تولید ناخالص داخلی در سال  $t$  است.

$DCPS_{it}$ : نسبت اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی در سال  $t$  است.

$GovExp_{it}$ : شاخص هزینه های دولت در سال  $t$  است که مقادیر مستقیم آن از بنیاد هریتیج استخراج می‌شود.

$Inf_{it}$ : نرخ تورم سال  $t$  است.

$HCl_{it}$ : شاخص سرمایه انسانی در سال  $t$  است.

#### معرفی روش مورد استفاده

به منظور تخمین مدل تحقیق، ابتدا فرض مانایی متغیرها با استفاده از آزمون فیلیپس پرون مورد آزمون قرار می‌گیرد. سپس با استفاده از الگوی رگرسیونی گشتاورهای تعمیم یافته ( $GMM^1$ ) به برازش الگوی رگرسیونی تحقیق پرداخته می‌شود.

<sup>1</sup> Generalized Methode of Moments

### آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون

پرون (۱۹۸۹)، فیلیپس و پرون (۱۹۸۸) برای اولین بار این مسأله را عنوان کردند که اگر سری های زمانی در طول زمان دچار شکستگی شده باشند، آزمون های ریشه واحد معمولی قادر به رد کردن فرضیه غیر ساکن بودن سری زمانی نیستند. همانگونه که در ادبیات اقتصاد سنجی برای مواجهه با آثار شکست ساختاری، از متغیرهای مجازی استفاده می‌شود، پرون نیز معتقد است که باید در معادلات آزمون های دیکی - فولر و دیکی فولر تعمیم یافته از متغیرهای مجازی استفاده شود. فرض کنید سری  $y_t$  بر اساس ساده ترین شکل خود، یک مدل خود رگرسیونی از درجه اول است؛ یعنی:

$$y_t = \alpha y_{t-1} + \varepsilon_t$$

چنانچه  $|\alpha| < 1$  باشد، سری ماناست. در این آزمون فرض صفر دلیل بر نامانایی است و حالت مطلوب زمانی اتفاق می افتد که فرض صفر رد شود.

### گشتاورهای تعمیم یافته

از روش GMM برای حل مشکلات مربوط به خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای خطا استفاده می‌شود. به عنوان یک روش جایگزین می‌توان از مدل اثرات تصادفی استفاده کرد که به وسیله هانسن (۱۹۹۹) پیشنهاد شده است اما مسائل مربوط به درونزایی برای بعضی از متغیرهای توضیحی هنوز هم حل نشده باقی خواهد ماند. این یکی از دلایل اصلی استفاده از GMM است. روش برآورد GMM دربر گیرنده تخمین زندهای گشتاوری و تخمین زن های گشتاورهای تعمیم یافته است و در آن نشان داده می‌شود که روش های برآورد حداقل مربعات معمولی، متغیرهای ابزاری، حداقل مربعات تعمیم یافته، روش برآورد حداقل مربعات دو مرحله ای و حداکثر راستنمایی حالت خاص از روش برآورد GMM است. روش GMM شکل گسترش یافته ای از روش گشتاورها است که در آن تعداد شرط های متعامد بودن بیشتر از تعداد پارامترها است. وجود شرط های اضافه بر تعداد پارامترها سبب افزایش کارایی تخمین زن ها و نیز پدید آوردن جنبه های جدیدی می گردد که می تواند آزمون گردد. ویژگی های احتمالات کوچک نمونه ای و بزرگ نمونه ای تخمین زندهای GMM به غیر از موارد معدودی از تخمین زندهای نظیر تخمین زندهای حداقل مربعات معمولی، متغیرهای ابزاری و 2SLS برای ما شناخته شده نیستند. به همین دلیل در اغلب موارد با استفاده از روش های شبیه سازی مونت کارلو، یا نمونه گیری بازگردان ویژگی های کوچک نمونه ای و با استفاد از قضایای مجانبی، ویژگی های بزرگ نمونه ای آنها بررسی می گردد. تخمین زندهای GMM حتی اگر سری مربوط به شرایط گشتاوری دارای مشکل خود همبستگی بوده و

ناهمسانی واریانس داشته باشد، تنها به شرط مانایی و ارگودیک بودن فرایند، نوعاً سازگار بوده و دارای توزیع نرمال است. دلیل آن این است که اساساً برآوردگرها (حداقل بعنوان تقریب مرتبه اول) ترکیب های خطی از میانگین های نمونه ای هستند، نوعاً سازگار بوده (براساس قانون اعداد بزرگ) دارای توزیع نرمال هستند.

به طور کلی هنگامی که در مدل، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می شود دیگر برآوردگرهای OLS سازگار نیست (Arellano & Bond, 1991, p.14) و باید به روش های برآورد دومرحله ای 2SLS اندرسون و هسیانو (۱۹۸۱) یا گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) آرانو و باند (۱۹۹۱) متوسل شد. برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس های بزرگ برای ضرایب به دست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنی دار نباشند (Tayebi et al, 2011). لذا روش GMM دومرحله ای توسط آرانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. در این روش ابتدا اقدام به تفاضل گیری می شود تا به این ترتیب بتوان اثرات مقاطع یا روندها را به ترتیبی از الگو حذف کرد و در مرحله دوم از پسماندهای باقیمانده در مرحله اول برای متوازن کردن ماتریس واریانس - کواریانس استفاده می شود. به عبارت دیگر این روش، متغیرهایی تحت عنوان متغیر ابزاری ایجاد می کند تا برآوردهای سازگار و بدون تورش داشته باشیم (Baltagi, 2009, p.289). سازگاری تخمین زننده GMM به معتبر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می تواند به وسیله دو آزمون تصریح شده توسط آرانو و باند (۱۹۹۱)، آرانو و بوور (۱۹۹۵) و بلوندل و باند (۱۹۹۸) آزمون شود. ولی آزمون سارگان از محدودیت های از پیش تعیین شده است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می کند. آماره آزمون سارگان (Statistic-J) دارای توزیع کای-مربع با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت های بیش از حد است. دومی آزمون همبستگی سریالی است که به وسیله آماره M2 وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می کند. در این آزمون، تخمین زن GMM زمانی دارای سازگاری است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می کند. در این تحقیق به منظور بررسی سازگاری تخمین زننده GMM از آزمون سارگان استفاده خواهد شد.



### تجزیه و تحلیل مدل مانایی متغیرهای تحقیق

به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون فیلیپس پرون استفاده شده است. این آزمون فرضیه وجود ریشه واحد در مقادیر سری را مورد آزمون قرار می‌دهد. در صورتی که فرضیه صفر آزمون مبنی بر وجود ریشه واحد در مقادیر سری رد گردد می‌توان پذیرفت که سری‌های مورد مطالعه، مانا هستند و در غیر این صورت باید از روش‌هایی چون تفاضل‌گیری، رگرسیون بر روی زمان و یا تبدیلات باکس و کاکس استفاده نمود. نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

آزمون مانایی کشورهای در حال توسعه (کشورهای منتخب منا)				
وقفه ۱		سطح (بدون وقفه)		متغیر
سطح معناداری	آماره PP	سطح معناداری	آماره PP	
0.0000	-10.72535	0.0063	-4.146345	رشد اقتصادی
0.0004	-5.093491	0.5138	-1.024057	آزادی اقتصادی
0.0142	-3.527612	0.2377	-1.239426	باز بودن تجاری
0.0018	-4.767335	0.1486	-2.308016	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
0.0005	-5.592849	0.4273	-1.635492	نسبت پس‌انداز خالص
0.0059	-4.037474	1.0000	7.298130	سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی
0.0214	-3.395096	0.9132	0.052297	اعتبارات بخش خصوصی
0.0030	-4.511808	0.2865	-1.792417	هزینه‌های دولت
0.0002	-5.332642	0.0683	-2.821373	نرخ تورم
0.0432	-3.134068	1.0000	3.884215	سرمایه انسانی
آزمون مانایی کشورهای توسعه یافته (کشورهای OECD)				
وقفه ۱		سطح (بدون وقفه)		متغیر
سطح معناداری	آماره PP	سطح معناداری	آماره PP	
0.0002	-9.824132	0.0043	-3.073156	رشد اقتصادی
0.0010	-5.246018	0.5364	-1.329423	آزادی اقتصادی

0.0216	-2.301692	0.1895	-1.964308	باز بودن تجاری
0.0018	-4.564812	0.2032	-2.903124	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
0.0006	-4.286232	0.3481	-1.596454	نسبت پس انداز خالص
0.0072	-4.098137	1.0000	-4.298037	سرمایه گذاری مستقیم داخلی
0.0306	-2.567413	0.8967	0.179681	اعتبارات بخش خصوصی
0.0032	-3.281309	0.4352	-2.082573	هزینه‌های دولت
0.0008	-4.185294	0.0701	-2.931869	نرخ تورم
0.0342	-3.203152	1.0000	-4.023001	سرمایه انسانی

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، سطوح معناداری آزمون مانایی متغیرها به صورت سطح (بدون وقفه) برای تمامی متغیرها در گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بزرگتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ بوده است و نشان از عدم مانایی متغیرها در این سطح دارد. در حالی که سطوح معناداری آزمون در وقفه اول متغیرها، برای تمامی متغیرها کوچکتر از خطای ۰/۰۵ بدست آمده و نشان دهنده هم انباشتگی متغیرها در وقفه اول است.

#### آزمون هم انباشتگی

تخمین مدل در حالت نامانای بودن متغیرها باعث ایجاد رگرسیون کاذب در مدل می‌شود. برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب روش‌های تفاضل‌گیری و آزمون هم انباشتگی وجود دارد اما هنگام استفاده از تفاضل متغیرها در برآورد ضرایب الگو اطلاعات ارزشمندی در رابطه با سطح متغیرها از دست می‌رود لذا این روش برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب مناسب نمی‌باشد می‌توان برای رفع این مشکل از آزمون هم انباشتگی استفاده کرد. مفهوم هم انباشتگی تداعی کننده وجود یک رابطه تعادلی بلند مدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند (Noferesti, 2012).

در این مقاله به منظور بررسی آزمون هم‌انباشتگی در مدل‌های مورد استفاده از روش ارائه شده توسط کائو (۱۹۹۹) استفاده شده است. این آزمون با استفاده از آماره آزمون‌های ریشه واحد (DF, ADF) انجام شده می‌شود. در این آماره‌ها فرضیه صفر برابر عدم وجود هم‌انباشتگی و فرضیه مخالف آن وجود هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل است که نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو با استفاده از آماره (ADF) برای دو مدل در جدول (۲) می‌باشد.

جدول (۲): نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

نتیجه آزمون	مدل		آماره
	کشورهای توسعه یافته (OECD)	کشورهای در حال توسعه (کشورهای حوزه منا)	ADF
فرضیه صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی در هر دو مدل رد می‌شود.	-3/31 (0/0005)	-2/13 (0/0168)	

\*اعداد داخل پرانتز نشان دهنده سطح احتمال است.

منبع: یافته‌های تحقیق

#### نتایج تخمین مدل تحقیق

قبل از تخمین مدل به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به منظور اطمینان انتخاب بین روش‌های داده‌های پانل و داده‌های تلفیقی از آماره F لیمر با درجه آزادی (N-1, NT-K-N) استفاده شده است که K تعداد متغیرهای توضیحی لحاظ شده در مدل، N تعداد مقاطع و T دوره زمانی است:

$$F = \frac{\frac{RRSS - \frac{URSS}{N} - 1}{\frac{URSS}{NT} - K - N}}$$

در رابطه فوق RRSS مجموع مربعات باقیمانده مقید حاصل از تخمین مدل پانل به دست آمده است از روش OLS و URSS مجموع مربعات غیرمقید است. فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون نشان دهنده آن است

که هر یک از مقاطع عرض از مبدا های یکسانس دارند (لزوم استفاده از داده های تلفیقی) و فرضیه مقابل ( $H_1$ ) اشاره به ناهمسانی عرض از مبدا های هر یک از مقاطع دارد (لزوم استفاده از داده های پانل). بر اساس محاسبات تحقیق در هر دو مدل مربوط به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده ها به روش تلفیقی پذیرفته نمی شود و لازم است این مدل ها به روش داده های پانل برآورد شود که نتایج به شرح جدول (۳) است.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو برای تشخیص الگوی داده های ترکیبی یا تلفیقی

آزمون مانایی کشورهای در حال توسعه (کشورهای منتخب منا)			
نتیجه	P-Value	مقدار محاسبه شده F	آزمون اثرات ثابت (چاو)
رد فرضیه صفر	0/0000	89/62	
آزمون مانایی کشورهای توسعه یافته (کشورهای OECD)			
نتیجه	P-Value	مقدار محاسبه شده F	آزمون اثرات ثابت (چاو)
رد فرضیه صفر	0/0000	76/54	

منبع: یافته های تحقیق

مدل لگاریتمی تحقیق، به شرح زیر می باشد:

$$\begin{aligned}
 LEG_t = & \beta_0 + \beta_1 LFreedom_t + \beta_2 LOpenness_t + \beta_3 LFDI_t + \beta_4 LGSAV_t \\
 & + \beta_5 LINVES_t + \beta_6 LDCPS_t + \beta_7 LGovExp_t + \beta_8 LInf_t + \beta_9 LHCI_t \\
 & + \beta_{10} LEG_{t-1} + \varepsilon_t
 \end{aligned}$$

تخمین مدل رگرسیونی فوق به روش گشتاورهای تعمیم یافته صورت پذیرفته است. مدل گشتاورهای تعمیم یافته، نسبت به همبستگی سریالی اجزای خطا و همسانی واریانس اجزای خطا، حساسیت نداشته و نتایج مدل تحت تأثیر این مفروضات قرار نمی گیرد. اما به منظور دستیابی به مدل بهینه در تبیین روابط بین متغیرها و بالاترین ضریب تعیین، وقفه های متفاوت متغیرها در مدل مورد آزمون قرار گرفته و مدل نهایی تحقیق بر حسب وقفه اول هزینه های دولت و با متغیر وزنی اعتبارات بخش خصوصی برازش داده شده است. جدول (۴) نتایج برازش این مدل را نشان می دهد.

جدول (۴): نتایج برازش مدل تحقیق

نتایج برازش کشورهای در حال توسعه (کشورهای منتخب منا)				
متغیر مستقل	ضریب	خطای برآورد	آماره t	سطح معناداری
آزادی اقتصادی	۰/۲۹	۰/۲۶	-۱۷/۹۶	۰/۰۰
باز بودن تجاری	۰/۲۳	۰/۳۴	۶۸۳	۰/۰۰
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۰۶	۰/۵۹	۷/۶۹	۰/۰۰
اعتبارات بخش خصوصی	-۰/۱۸	۰/۲۱	-۸/۹۱	۰/۲۵
هزینه‌های دولت (۱-)	۰/۲۵	۰/۶۹	۱۱/۳۸	۰/۰۰
نرخ تورم	-۰/۲۸	۰/۲۵	۴/۹۵	۰/۰۰
سرمایه انسانی	۰/۰۴	۰/۴۴	۱۰/۸۶	۰/۰۰
رشد اقتصادی دوره قبل (۱-)	۰/۱۷	۰/۳۱	۱۴/۷۳	۰/۰۵
ضریب تعیین مدل	۰/۷۶	آماره دوربین واتسون		۱/۷۴
آماره J هانسن	۱۸۹	معناداری هانسن		۰/۴۵
آماره کای - مربع همبستگی سریالی خطا	۰/۴۶	معناداری کای - مربع همبستگی سریالی خطا		۰/۵۸
آماره کای - مربع همسانی واریانس خطا	۱/۴۹	معناداری کای - مربع همسانی واریانس خطا		۰/۲۹
آماره چارک - برا	۱۸۷	معناداری چارک - برا		۰/۴۴
نتایج برازش کشورهای توسعه یافته (کشورهای OECD)				
متغیر مستقل	ضریب	خطای برآورد	آماره t	سطح معناداری
آزادی اقتصادی	۰/۳۴	۰/۲۴	-۱۸/۳۴	۰/۰۰
باز بودن تجاری	۰/۲۵	۰/۳۲	۶/۵۳	۰/۰۰
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۱۱	۰/۶۳	۷/۲۸	۰/۰۰
اعتبارات بخش خصوصی	-۰/۱۷	۰/۱۷	-۹/۶۷	۰/۲۳
هزینه‌های دولت (۱-)	۰/۲۱	۰/۷۶	۱۰/۲۴	۰/۰۰
نرخ تورم	-۰/۲۹	۰/۲۳	۴/۴۳	۰/۰۰
سرمایه انسانی	۰/۰۷	۰/۴۱	۱۰/۵۳	۰/۰۰
رشد اقتصادی دوره قبل (۱-)	۰/۱۹	۰/۲۶	۱۴/۳۳	۰/۰۴

۱۸۳	آماره دوربین واتسون	۰.۸۲	ضریب تعیین مدل
۰.۴۶	معناداری هانسن	۱.۹۳	آماره J هانسن
۰.۶۸	معناداری کای - مربع همبستگی سریالی خطا	۰.۴۳	آماره کای - مربع همبستگی سریالی خطا
۰.۳۶	معناداری کای - مربع همسانی واریانس خطا	۱.۴۶	آماره کای - مربع همسانی واریانس خطا
۰.۴۷	معناداری چارک - برا	۱.۸۹	آماره چارک - برا

### نیکویی برازش مدل

در بررسی معنی دار بودن کل مدل در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با توجه به این که مقدار احتمال آماره J هانسن از ۰/۰۵ بزرگتر می باشد ( $p\text{-value} = ۰.۴۵$ ) در کشورهای در حال توسعه و ( $p = ۰.۴۶$ ) value) در کشورهای توسعه یافته با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا نمود که متغیرهای ابزاری بکار گرفته شده در مدل هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با اجزای خطای مدل، همبستگی ندارند. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که به ترتیب ۷۶ درصد و ۸۲ درصد از تغییرات موجود در رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می گردد. نتایج برآورد آماره دوربین واتسون در جهت تأیید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره با مقدار ۱/۷۴ در کشورهای در حال توسعه و ۱/۸۳ در کشورهای توسعه یافته دارد و بر این اساس، می توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت. نتایج آزمون چارک-برا در جهت تأیید نرمال بودن توزیع تجربی اجزای خطا نیز با سطح معناداری برابر با ۰/۴۴ برای کشورهای در حال توسعه و ۰/۴۷ برای کشورهای توسعه یافته نشان از نرمال بودن اجزای خطای مدل داشته است. از این رو می توان پذیرفت که مفروضات اولیه این مدل که تنها شامل نرمال بودن توزیع تجربی جملات خطا است برقرار بوده و نتایج مدل در تعیین اثرات قابل استناد است.

### یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تخمین مدل تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی بر اساس جدول (۲)، به شرح زیر است: اثر سایر متغیرهای مورد بررسی در تحقیق، به جز متغیر اعتبارات بخش خصوصی در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، معنادار بوده و در سطح ۰.۰۵ تأیید می شود. این عامل حاکی از این است متغیرهای رشد اقتصادی دوره قبل، آزادی اقتصادی، بازبودن تجاری، نرخ تورم، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و هزینه های دولت، همه از شاخص های اثر گذار بر رشد اقتصادی در هر دو گروه از

کشورها محسوب می‌شوند. همچنین در میان شاخص‌های اثر گذار بر رشد اقتصادی، شاخص‌های آزادی اقتصادی، نرخ تورم، هزینه‌های انجام شده دولتی و بازبودن تجاری، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی ایفا می‌کنند که در این میان، اثر گذاری شاخص‌های آزادی اقتصادی و نرخ تورم به صورت معکوس و اثر گذاری هزینه‌های دولت و بازبودن تجاری مستقیم می‌باشد.

ضریب شاخص باز بودن تجاری در کشورهای مورد مطالعه، اثر معنی‌دار و مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است. به طوری که یک واحد افزایش در بهبود تجارت با دنیای خارج، رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته را به ترتیب به میزان ۲۳ واحد و ۲۶ واحد افزایش می‌دهد. این یافته‌ها با مطالعات (Alam & Sumon, 2020) و (Shayanewako, 2018) مطابقت دارد. از طرفی، ضریب شاخص هزینه‌های دولتی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. به طوری که، یک واحد افزایش هزینه‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب، رشد اقتصادی را به میزان ۲۵ واحد و ۲۱ واحد افزایش می‌دهد؛ این یافته‌ها با مطالعات (Afshari et al., 2019) مطابقت دارد. و این رقم بالا، به خوبی حاکی از این است که اقتصاد کشورهای منتخب توسعه یافته بسیار دولتی بوده و نقش دولت در رشد اقتصادی این کشورها، حائز اهمیت می‌باشد که با قراردادن این دو فاکتور و ضرایب آنها در کنار یکدیگر (و با توجه به موتور رشد و محرکه بودن تجارت در اقتصاد کشورها)، می‌توان به این نتیجه رسید که تجارت انجام گرفته در کشورهای منتخب در حال توسعه، اغلب دولتی بوده و این خود حاکی از این است که دولت در اقتصاد کشورهای منتخب در حال توسعه، نقش بسیاری را ایفا می‌کند. همچنین ضریب برآورد شده برای تورم تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها دارد. به گونه‌ای که یک واحد افزایش در تورم در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب، رشد اقتصادی را به میزان ۲۹ واحد و ۲۷ واحد کاهش می‌دهد که نتایج با مطالعات جعفری صمیمی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. از آنجاییکه شاخص باز بودن تجاری از مهم‌ترین شاخص‌های آزادی اقتصادی، محسوب می‌شود و به تنهایی تأثیر مستقیم بر رشد دارد، در کنار شاخص تورم که تأثیر منفی بر رشد دارد، به نظر می‌رسد با توجه به تحقیق حاضر مهمترین فاکتور اثر گذار بر آزادی اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه، نقش دولت می‌باشد.

ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. به گونه‌ای که یک واحد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب، رشد اقتصادی را به میزان ۰/۰۶ واحد و ۱۱ واحد افزایش می‌دهد. لذا می‌توان ادعا نمود که با افزایش سرمایه

گذاری مستقیم خارجی طی دوره تحقیق بر میزان رشد اقتصادی کشورها افزوده شده است. به عبارتی بخشی از رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه (ولو اندک)، تحت تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورها واقع می گردد. البته این مورد زمانی مطرح می شود که منابع ارزی تأمین شده از این سرمایه گذاری ها در بازار سرمایه وارد شده و از طریق فعالان واحدهای تجاری مورد بهره برداری قرار گیرد. بر این اساس، به نظر می رسد که منابع جذب شده از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورها، توانسته با بکارگیری در حوزه تولید و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی، منجر به رشد تولید ناخالص داخلی گردد.

متغیر مورد بررسی دیگر ضریب سرمایه انسانی می باشد که تأثیر مثبت و معنی داری در کشورهای مورد مطالعه دارد. به طوری که با افزایش یک واحد در سرمایه انسانی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۴ واحد و ۰/۰۷ واحد افزایش می یابد. افزایش سرمایه انسانی سبب افزایش سطح سواد و افزایش قابلیت های نیروی کار در یک کشور، تولید بیش و کیفیت بالاتر را به همراه رشد اقتصادی در پی دارد. لذا افزایش مخارج در این بخش و همچنین به کارگیری شیوه های نوین سرمایه گذاری در این بخش میتواند نقش مهمی در گسترش سرمایه انسانی داشته باشد. ضریب برآورد شده برای نرخ رشد دوره قبل برای هر دو گروه کشور مورد بررسی مثبت و معناداری است و علامت مثبت آن بیانگر وجود یک رابطه مستقیم بین رشد اقتصادی فعلی و رشد اقتصادی دوره پیش می باشد. این امر کاملاً واضح است، زیرا اگر در یک دوره رشد اقتصادی افزایش یابد منجر به بهبود وضعیت عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی می گردد. به عبارت دیگر تأثیر مثبت متغیر نرخ رشد دوره قبل بر نرخ رشد اقتصاد کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته، حاکی از اثرگذاری رشد به صورت دوره ای بر وضعیت اقتصاد کشورهای منتخب و مؤید این است که هر چقدر وضعیت رشد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته بهبود یابد، اقتصاد آینده کشورهای منتخب در هر دو گروه نیز بهبود می یابد.

در نهایت ضریب اصلی مورد بررسی دیگر شاخص های آزادی اقتصادی است که بر اساس نتایج حاصل از برآزش مدل، این متغیر تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای مورد بررسی دارد. به طوری که با یک واحد افزایش در شاخص های آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب، رشد اقتصادی به میزان ۰/۲۹ واحد و ۰/۳۴ واحد افزایش می یابد. با توجه به یافته



های ضریب این شاخص در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است. می توان بیان داشت که بهبود آزادی اقتصادی موجب انگیزه برای انواع سرمایه گذاری ها، انباشت مهارت ها و همچنین انتقال فناوری و استفاده کارآ از سرمایه گذاری ها و افزایش قدرت و رقابت پذیری و در نتیجه موجب تحقق رشد اقتصادی با ثبات خواهد شد. اما در رابطه با کشورهای در حال توسعه می توان گفت آزادی اقتصادی معمولاً به معنای کاهش موانع برای کسب و کار و افزایش فرصت های اقتصادی هست که این موضوع می تواند به جذب سرمایه گذاری های خارجی، افزایش تولید و اشتغال و در نهایت رشد اقتصادی کمک کند. براین اساس، می توان ادعا نمود بالابودن این متغیر، نسبت به سایر متغیرهای تحقیق نیز، اهمیت بالای این متغیر در رشد اقتصادی نشان می دهد لذا این طور به نظر می رسد که تفاوت درآمد و شکاف عملکرد اقتصادی در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را بتوان به وسیله تفاوت در آزادی های اقتصادی توجیه کرد. که با نتایج مطالعات آیسن و ویگا (۲۰۰۷) و رزمی و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

تحقیق حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و با کاربرد مدل نظری برگرفته از دیلی و ژباب (۲۰۱۸)، ارتباط میان آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی را با کاربرد شاخص های آزادی اقتصادی در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۲ و نرم افزار ۹ Eviews و روش GMM، مورد بررسی قرار دهد.

به این منظور، ابتدا با تحلیل نحوه اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی، به بررسی مانایی متغیرها از طریق آزمون فیلیس پرون پرداخته و فرضیه هم انباشتگی متغیرها را مورد آزمون قرار می دهد و به منظور آزمون مدل تحقیق، از روش گشتاورهای تعمیم یافته استفاده می کند نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها بدین شرح بوده است:

نتایج آزمون مدل تحقیق، نشان می دهد که میان تورم با رشد اقتصادی در دو گروه کشور مورد مطالعه رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ در حالی که رابطه بین آزادی اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری، رشد دوره قبل و هزینه های دولتی بر روی رشد اقتصادی در دو گروه کشور مورد بررسی، مستقیم و معنادار بوده است.

باتوجه به نتایج شاخص آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی هر دو گروه کشور توسعه یافته و در حال توسعه دارد و از آن جایی که ضریب این شاخص در کشورهای توسعه یافته بیشتر از در حال توسعه است. می توان بیان داشت که در کشورهای توسعه یافته آزادی اقتصادی معمولاً به معنای وجود بازارهای آزاد، رقابت سالم و حمایت از حقوق مالکیت است که این عوامل می توانند به نوآوری، افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی کمک کنند. از طرفی کشورهای توسعه یافته معمولاً از زیرساخت‌های قوی و نظام‌های قانونی مستحکم برخوردار هستند که به راحتی به کسب و کارها اجازه فعالیت می دهند که این شرایط می تواند منجر به رشد پایدار اقتصادی و افزایش رفاه عمومی شود. اما در رابطه با کشورهای در حال توسعه می توان گفت آزادی اقتصادی معمولاً به معنای کاهش موانع برای کسب و کار و افزایش فرصت‌های اقتصادی هست که این موضوع می تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش تولید و اشتغال و در نهایت رشد اقتصادی کمک کند. بر این اساس، می توان ادعا نمود بالابودن این متغیر، نسبت به سایر متغیرهای تحقیق نیز، اهمیت بالای این متغیر در رشد اقتصادی نشان می دهد و بخشی از تفاوت درآمد و عملکرد اقتصادی در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را می توان به وسیله تفاوت در این شاخص توجیه کرد.

بدین ترتیب این نتیجه نائل شد که آزادی اقتصادی یکی از عوامل مهم اختلاف درآمد و رشد اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بالایی برخوردار باشد و در جهت ارتقا شاخص‌های اقتصادی بکوشد، منجر به بهبود انگیزه‌های کسب و کار در جامعه، استفاده از ظرفیت‌های تولیدی کشور، افزایش توان رقابتی و در نهایت دسترسی به رشد اقتصادی مستمر خواهد شد؛ لذا سیاست‌گذاران باید بر تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های مورد نیاز در فرایند تولید از قبیل راه‌ها و جاده‌ها، آموزش همگانی، بهداشت و درمان شهروندان، انتقال فناوری و غیره تمرکز داشته و زمینه اقتصادی را برای فعالان اقتصادی مناسب نموده و همچنین از طریق کاهش هزینه‌های مبادلاتی برای بنگاه‌ها، موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره‌وری عوامل تولیدی گردد.

## منابع

- Addi, H. M., & Abubakar, A. B. (2024). Investment and economic growth: do institutions and economic freedom matter? *International Journal of Emerging Markets*, 19(4), 825-845.
- Afshari, Z.; Shirin Bakhsh, Sh., & Ebrahimi, S. N. (2019). "Comparative Study of the effect of the optimal size of consumption expenditure and government investment on the human development index of the study of developed and developing countries". *Quarterly Journal of economic growth and development research*. 2(8). 50-37. (In Persian)
- Aisen, A., & Veiga, F. J. (2013). How does political instability affect economic growth? *European Journal of Political Economy*, 29, 151-167.
- Akerlof, G. A., & Shiller, R. J. (2010). *Animal spirits: How human psychology drives the economy, and why it matters for global capitalism*. Princeton university press.
- Alvarado, R.; Iñiguez, M., & Ponce, P. (2017). Foreign direct investment and economic growth in Latin America. *Economic Analysis and Policy*, 56, 176-187.
- Amiri, H.; Pirvareh Beiranvand, M., & Alizadeh, Sh. (2019). Studying the Effect of Economic Freedom on Economic Growth with a Resistance Economy Approach (Case Study: Countries in the Region). *Economic Journal*. 18(6). 5-30. (In Persian)
- Ansari Samani, H., & Alizadeh oghaz, N. (2020). Economic freedom and growth, comparison of Middle East countries and the European Union. *economic analyses of Iran's development*, 7(19). 181-207. (In Persian)
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2), 277-297.
- Baker, M.; Wurgler, J., & Yuan, Y. (2012). Global, local, and contagious investor sentiment. *Journal of financial economics*, 104(2), 272-287.
- Baltagi, B. H.; Demetriades, P. O., & Law, S. H. (2009). Financial development and openness: Evidence from panel data. *Journal of development economics*, 89(2), 285-296.
- Bennett, E. M.; Solan, M.; Biggs, R.; McPhearson, T.; Norström, A. V.; Olsson, P., & Xu, J. (2016). Bright spots: seeds of a good Anthropocene. *Frontiers in Ecology and the Environment*, 14(8), 441-448.
- Bologna, J.; Young, A. T., & Lacombe, D. J. (2016). A spatial analysis of incomes and institutional quality: evidence from US metropolitan areas. *Journal of Institutional Economics*, 12(1), 191-216.
- Brümmerhoff, D., & Grömling, M. (2012). Are national accounts revisions harmful for historical comparisons? *World Economics*, 13(4), 79-98.

- Campbell, N. D., & Snyder, T. J. (2012). Economic growth, economic freedom, and the resource curse. *Journal of Private Enterprise*, 28(1), 23.
- Campbell, N. D., & Snyder, T. J. (2012). Economic growth, economic freedom, and the resource curse. *Journal of Private Enterprise*, 28(1), 23.
- Corsetti, G.; Dedola, L., & Leduc, S. (2010). Optimal monetary policy in open economies. In *Handbook of monetary economics*, 3, 861-933.
- Dawson, M.; Soulières, I.; Ann Gernsbacher, M., & Mottron, L. (2007). The level and nature of autistic intelligence. *Psychological science*, 18(8), 657-662.
- De Haan, J., & Sturm, J. E. (2000). On the relationship between economic freedom and economic growth. *European journal of political economy*, 16(2), 215-241.
- De Haan, J.; Oosterloo, S., & Schoenmaker, D. (2009). *European financial markets and institutions*. Cambridge University Press.
- Dkhili, H., & Dhiab, L. B. (2018). The relationship between economic freedom and FDI versus economic growth: Evidence from the GCC countries. *Journal of Risk and Financial Management*, 11(4), 81.
- Dwyer, P. C.; Bono, J. E.; Snyder, M.; Nov, O., & Berson, Y. (2013). Sources of volunteer motivation: Transformational leadership and personal motives influence volunteer outcomes. *Nonprofit management and Leadership*, 24(2), 181-205.
- Feldman, M. (2011). *Hilbert transform applications in mechanical vibration*. John Wiley & Sons.
- Grant, R. M. (2014). *Dirección estratégica*. Thomson-Civitas.
- Gwartney, J. D.; Lawson, R. A., & Clark, J. R. (2015). *Economic Freedom of the world, 2002*. The Fraser Institute.
- Hausmann, R.; Klinger, B., & Wagner, R. (2008). *Doing Growth Diagnostics in Practice: A "mindbook"*. Center for Internat. Development at Harvard Univ
- Henri, A. O., & Mveng, S. A. (2024). Economic freedom and productivity in Africa. *Journal of the Knowledge Economy*, 15(1), 3039-3058.
- Hill, I. (2006). Student types, school types and their combined influence on the development of intercultural understanding. *Journal of research in international education*, 5(1), 5-33.
- Holcombe, M., & Ipate, F. (2012). *Correct systems: building a business process solution*. Springer Science & Business Media.
- Holcombe, R. G., & Ryvkin, D. (2010). Policy errors in executive and legislative decision-making. *Public Choice*, 144, 37-51.
- Ilzetzki, E. (2014). Discussion on "Systemic risk, sovereign yields and bank exposures in the euro crisis" by Battistini et al. *Economic Policy*, 29(78), 241-243.

Jafari Samimi, A., & Gholizadeh Kenari, S. (2007) "Investigating the Relationship between Inflation and Economic Growth in Iran," *Quarterly Journal of Business Research*, 13(60), 133-146. (In Persian)

Justesen, M. K. (2008). The effect of economic freedom on growth revisited: New evidence on causality from a panel of countries 1970–1999. *European journal of political economy*, 24(3), 642-660.

Justesen, M. K., & Kurrild-Klitgaard, P. (2013). Institutional interactions and economic growth: the joint effects of property rights, veto players and democratic capital. *Public Choice*, 157, 449-474.

Justesen, M. K., & Kurrild-Klitgaard, P. (2013). Institutional interactions and economic growth: the joint effects of property rights, veto players and democratic capital. *Public Choice*, 157, 449-474.

Kane, M., & Trochim, W. M. (2007). *Concept mapping for planning and evaluation*. sage publications, Inc.

Kaufmann, D.; Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The worldwide governance indicators: A summary of methodology, data and analytical issues*. *World Bank Policy Research*, 5430. working paper.

Klein, N. (2007). *The Shock Doctrine: The Rise of Disaster Capitalism*. Canada: Metropolitan books.

Manzetti, L. (2009). *Neoliberalism, accountability, and reform failures in emerging markets: Eastern Europe, Russia, Argentina, and Chile in comparative perspective*. Penn State Press.

Nachman, S.; Chernoff, M.; Williams, P.; Hodge, J.; Heston, J., & Gadaw, K. D. (2012). Human immunodeficiency virus disease severity, psychiatric symptoms, and functional outcomes in perinatally infected youth. *Archives of pediatrics & adolescent medicine*, 166(6), 528-535.

Nath, H. K. (2009). Trade, foreign direct investment, and growth: Evidence from transition economies. *Comparative Economic Studies*, 51, 20-50.

Nyström, K. (2008). The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data. *Public choice*, 136, 269-282.

O'Reilly, C., & Powell, B. (2015). War and the growth of government. *European Journal of Political Economy*, 40, 31-41.

Pennington, M. (2010). Robust political economy. *Books*.

Potrafke, N. (2013). Economic freedom and government ideology across the German states. *Regional Studies*, 47(3), 433-449.

Razmi, A. A.; Razmi, M. J., & Shahraki, S. (2009), "The Effect of Economic Freedom on Economic Growth with an Institutional Approach", *Journal of Knowledge and Development*. 28. 128-155.

Rode, M., & Coll, S. (2012). Economic freedom and growth. Which policies matter the most? *Constitutional Political Economy*, 23, 95-133.

Romer, C. D., & Romer, D. H. (2017). New evidence on the aftermath of financial crises in advanced countries. *American Economic Review*, 107(10), 3072-3118.

Saha, S., & Ali, M. S. B. (2017). Corruption and economic development: New evidence from the Middle Eastern and North African countries. *Economic Analysis and Policy*, 54, 83-95.

Sharifi Renani, H.; Shoaee, F.; Mirfatah, M., & Tavakolnia, M. R. (2013), Studying the Effects of Economic Liberalization on Macroeconomic Indicators in Selected Muslim Countries: With Emphasis on Trade Liberalization. *Strategic Studies in Public Policy*, 4(10), 29-58. (In Persian)

Slovik, P. (2012). Systemically important banks and capital regulation challenges.

Tayebi, S. K.; Pourshahabi, F.; Khanizadeh Amiri, M., & Kazemi, E. (2013), The effect of foreign direct investment and degree of trade openness on domestic investment and economic growth (a case study of 10 developing Asian countries), *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 21(67), 131-152. (In Persian)

Zamani, M.; Mohammadi Khiare, M.; Mazhari, R. (2022). The reciprocal effect of economic freedom and entrepreneurship on growth in selected countries. *Economy and Regional Development*, 28(21). 140-170. (In Persian)

Zghidi, N., & Abida, Z. (2014). Financial Development, Trade Openness and Economic Growth in North African Countries. *Romanian Economic Journal*, 17(53).

Zingales, L. (2012). *A capitalism for the people: Recapturing the lost genius of American prosperity*. Basic books.

Zoghipour, A., & Zibaei, M. (2010). Effects of Trade Liberalization on Key Variables of Agricultural Sector in Iran: Computable General Equilibrium. *Agricultural economics*, 3(4), 67-93. (In Persian)